

پوستر رسمی فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج و تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی همزمان با آغاز اکران آن در نخستین روز جشنواره چهل و یکم فیلم فجر رونمایی شد. سرهنگ ثریا، تازه‌ترین محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که از زاویه‌ای متفاوت به حضور سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در یادگان اشرف می‌پردازد. این فیلم اولین ساخته سینمایی لیلی عاج است و در خلاصه داستان آن آمده: «این راه با گریه باز نمیشه!» فیلم

### پوستر «سرهنگ ثریا» رونمایی شد

سرهنگ ثریا در پردیس سینمایی گوروش، پردیس سینمایی شهرک، پردیس سینمایی کیان، پردیس سینمایی پرند مال، سینما تیرازه، سینما جوان و سینما شمیران سنتر روی پرده می‌رود و فردا در پردیس سینمایی سینما آزادی،پردیس سینمایی ایران مال،پردیس سینمایی مگامال، پردیس سینمایی زندگی، پردیس سینمایی گالریا، پردیس سینمایی هروی سنتر، سینما راگا، سینما شهر (قرچک)، سینما مهرشاد و سینما نسیم شهر به نمایش در می‌آید. طراحی لوگو و

در گفت‌وگوی «جام جم» با نسیم ادبی، بازیگر فیلم «پرورنده باز است» بررسی شد

# زن اثرگذار در فیلم جنایی کیومرث پوراحمد

**تئاتر در این چهار دهه منبع اصلی ورود بازیگران به سینما بوده و اغلب بزرگان فعلی و قبلی سینما سبقه تئاتری دارند. نسیم ادبی هم با این رویه وارد بازی در سینما شد. او با خیلی از بزرگان تئاتر سابقه همکاری مشترک دارد: با پری مابری در آنتیگونه، سهراب سلیمی در عشق لرزه، فرهاد مهندس‌پور در روز رستاخیز، بهروزغریب‌پور در کلیه عموتام، بهرداد رایانی‌مخصوص در سرگرد باربارا و ... . این یک‌گراند درخشان باعث شده ادبی با تسلط نقش انواع و اقسام زنان سنتی، مدرن، برون‌گرا، درون‌گرا، عاشق‌پیشه، بی‌تفاوت، روشنفکر، کارگر و تحمیل‌کرده را با قدرت و شایستگی ایفا کند. ادبی در سینما و تلویزیون هم کارنامه قابل دفاعی دارد: «چهارشنبه»، «خوب، بد، جلف»، «شهرزاد»، «برادر» و «معمای شاه» از جمله این آثار هستند. ادبی در اولین همکاری خود با کیومرث پوراحمد در فیلم «پرورنده باز است» در نقش یک مادر ایرانی مقتدر، توانمند و چندوجهی بازی متفاوتی از خودش ارائه می‌کند. با ادبی درباره ابعاد نقشش، همکاری با پوراحمد و حضور در جشنواره فیلم فجر گفت‌وگویی داشته‌ایم.**

**۹۱** در کارنامه کاری شما به خصوص در تئاتر نقش‌های متفاوتی نظیر نمایش‌های خون‌رقصه، تن، کسوف و ناسور دیده‌می‌شود.

**ایفای این نوع نقش‌ها برای‌تان چه ویژگی‌هایی دارد؟**

همچنان بعد از سه دهه بازیگری به تنوع انتخاب نقش‌ها اعتقاد دارم و طبع این اعتقاد پیشتنهاه‌های کاری را قبول می‌کنم. معمولاً نقش‌هایی را بازی می‌کنم که احساسات و عاطفه کاراکتر برجسته است و من هم تلاش می‌کنم نقش را به این سمت بیشتر تمایل‌کنم. با وجود چنین خصلت‌های انسانی است که نقش رنگ‌آمیزی، کامل و چشم‌نواز می‌شود و برای مخاطب هم جذابیت پیدا می‌کند. وظیفه بازیگران این است که نقش‌را از فیلترذهنی خودش عبوردهند. بازیگر باید لایه‌های درونی‌نپای و پنهان کاراکتر را آشکار کند و اوست که نقش را در صحنه عینیت می‌بخشد. خیلی از نقش‌هایی که در نمایش‌ها خوب دیده شده‌اند، نتیجه ممارست بازیگر در شناخت و ارائه درست آن درچین‌بازی است. خیلی از نقش‌ها را نمی‌شود بدون این وجوداحساساتی متصور بود و وجود این احساسات باعث می‌شود کاراکتر رفتارهایش تک‌بعدی و یکسویه نباشد و رفتارهای متفاوتی را از خودش بروز دهد. شخصیت‌هایی که در نمایش‌های ناسور و کسوف بازی کردم متعلق به دو زمان متفاوت است و هرودی‌شان پراز احساسات، عاطفه و سایر ویژگی‌های انسانی است.

**۹۲** شما به خصوص در تئاتر و تلویزیون در قالب نقش زنان سنتی در یک‌صد ساله اخیر بازی کردید. آیا این مقطع تاریخی برای‌تان ویژگی‌های خاصی دارد؟

تلاش کردم این نوع نقش زنان را متفاوت و جذاب بازی کنم. هر کدام از این نقش‌ها مختصاتی ویژه دارند. این نوع زنان در طول تاریخ تلاش می‌کنند تا به جایگاه‌شان برسند و بتوانند به تفکرات و حقانیت‌شان پایبند باشند و آن را ابراز کنند.

**۹۳** پیشنهاد بازی در فیلم پرورنده باز است را به خاطر نام و اعتبار پوراحمد قبول کردید یا خود نقش هم ویژگی‌هایی داشت که ایفای آن را برای شما جذاب می‌کرد؟

از نام و اعتبار کیومرث پوراحمد و آثار شاخصی که در این چهار دهه خلق کرده به سادگی نمی‌شود عبور کرد. او جزو کارگردان‌های مورد علاقه‌ام محسوب می‌شود و همیشه فیلم‌های ایشان را دنبال می‌کنم. کاراکتر ونوع نگاهش به سینما و بازیگری که در طول همکاری با ایشان متوجه‌شدم، هم خیلی متفاوت و حائز اهمیت است. نکته مهم دیگر فیلم پرورنده باز است، فیلم‌نامه آن است که درست، سنجیده و حرفه‌ای مبتنی بر الگوهای ژانر پلیسی جنایی نوشته شده‌است.

**۹۴** در تئاتر و سینما توانا‌ام هم با کارگردان جوان و هم با کارگردان‌های با تجربه همکاری داشته‌اید. همکاری با



**۹۵** دارد که به هر حال فرزندش کشته شده و دیگر چه لزومی دارد. شخصی دیگری هم بمیرد.

**۹۶** ویژگی منحصر به فرد این مادر چه تعریفی دارد؟

قدرت مدیریت و تسلط بر اوضاع. از ویژگی‌های مهم این زن است که در اوج اندوه و غم مرگ فرزند، شرایط را مدیریت می‌کند و اهل منطق است. ویژگی که همسرش ندارد و غیرمنطقی با مرگ فرزند برخورد می‌کند. نکته مهم دیگر درک اواز این قضیه است، جوانی که پسرش را کشته‌مادر ندارد و او به این مسأله فکر می‌کند و خودش را جای مادر نداشته این پسر فرض می‌کند.

**۹۷** به نظر می‌رسد برخلاف اغلب فیلم‌های پلیسی - جنایی

سینمای ایران که زنان در نقش‌های حاشیه‌ای قرار دارند، در فیلم پرورنده باز است، نقطه پیش برنده درام، شخصیت مادر است؟

بله، این نکته مهمی است که در فیلمنامه روی آن تأکید شده‌است.

**۹۸** آیا در سینما توانسته‌اید نقشی را که انتظار داشته‌اید بازی کنید؟

هیچ وقت بازیگر نمی‌تواند ادعا کند بهترین نقش یا نقش مورد علاقه‌اش را بازی کرده‌است. هیچ‌گاه بازیگری نقطه پایانی ندارد که بازیگر بگوید این کامل‌ترین نقشم است. بازیگری راه بی‌پایانی است که نمی‌دانید در سال بعد قرار است چه نقش‌هایی را بازی کنید که بهتر از کارهای قبلی باشد.

**۹۹** در جشنواره تئاتر جایزه به دست آورده‌اید. این انتظار را دارید که بازی در پرورنده باز است سیمرغ بهترین بازیگر زن را به دست بیاورید؟

بردن جایزه در هر رسانه‌ای برای بازیگر جذاب است و من هم از این قاعده‌پیروی می‌کنم و یردن جایزه حتی از کوچک‌ترین جشنواره‌ها هم برایم جذاب است.

**۱۰۰** مدت‌هاست به موازات بازیگری در مقاطع مختلف به جوان‌ها هم آموزشی می‌دهید. این مسأله چقدر در بازیگری به شما کمک می‌کند؟

سیستم آموزشی‌ام بر اساس تجربیات طی سال‌هایی است که به دست آورده‌ام. شروع دوران آموزشی‌ام از کارگاه بازیگری موسسه زنده‌یاد امین تارخ بود. به تدریج یک سری اصول و تکنیک‌ها را جمع‌آوری کردم و در کلاس‌هایم از آنها استفاده کردم و از کاراترین این شیوه‌ها در حال حاضر استفاده می‌کنم. نکته مهم در این کلاس‌های آموزشی جو حاکم بر کلاس‌هاست که باعث می‌شود از شیوه‌های مختلفی استفاده کنم. در در دوره‌های آموزشی که دارم، سیستم یکسان و واحدی را به کار نمی‌برم.

پوستر این فیلم را احسان حسینی به عهده داشته است. عوامل تولید فیلم سینمایی سرهنگ ثریا عبارتند از نویسنده و کارگردان: لیلی عاج، تهیه‌کننده: جلیل شعبانی، مشاور کارگردان: کمال تبریزی، سرپرست گروه کارگردانی: سیامک مردانه و محمد ثقفی، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده، صدابردار: حسین بیشاش، صداگذار: آرش قاسمی، تدوین: فرزاد هوتهم، موسیقی: بهزاد عبدی، طراح صحنه: بابک پناهی و جلوه‌های ویژه میدانی: حمید رسولیان.



به بهانه نمایش فیلم «جنگل پرنقال» به تهیه‌کنندگی رسول صدرعاملی

## منتظر یک «شنای پروانه» باشیم؟

**۱۰۱** **حادثه‌ای در سینمای اجتماعی**

دختری با کفش‌های کتانی (۱۳۷۷)، من ترانه ۱۵ سال دارم (۱۳۸۰) و دیشب باباتو دیدم آیدآ (۱۳۸۳) سه فیلم با محوریت زندگی سه دختر جوان بود که رسول صدرعاملی کارگردانی کرد و سه بازیگر جوان را به سینمای ایران معرفی نمود.

فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» در جشنواره بیستم فجر، جایزه‌ها را درو کرد و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه، بهترین چهره‌پردازی و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را از آن خود کرد. اگرچه فیلم سوم به پای موفقیت دو فیلم اول نرسید اما جسارت صدرعاملی در مطرح‌کردن موضوعات اجتماعی با محوریت دختران جوان، سینمای او را به سینمایی خاص با موضوعات و سوزه‌هایی از دل جامعه شهری معاصر تبدیل کرد. او سپس دو فیلم هر شب تنهایی (۱۳۸۶) و شب (۱۳۸۶) را با محوریت زیارت و معنویت ساخت. زندگی با چشمان بسته «(۱۳۸۷)، در انتظار معجزه (۱۳۸۸) و سال دوم دانشکده من (۱۳۹۶) فیلم‌های بعدی صدرعاملی است.

**۱۰۲** **کارنامه یک تهیه‌کننده**

از بین فیلم‌های موفق صدرعاملی او تنها به‌عنوان تهیه‌کننده در من ترانه ۱۵ سال دارم مشارکت نداشته است. این فیلم با تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کنشیان ساخته شد و اتفاقاً این فیلم فروش گیشه بسیار موفقی داشت به گونه‌ای که در نوروز ۱۳۸۱ اکران شد و فروشی بالغ بر ۷/۵ میلیارد تومان داشت. او به‌عنوان تهیه‌کننده در دو پروژه دیگر حضور داشته است: عروسک‌فرنگی (۱۳۸۴) و سونامی (۱۳۹۷). عروسک‌فرنگی به کارگردانی فرهاد صبا، فیلمبردار شناخته‌شده سینمای ایران و با بازی خسرو شکیبایی، محمد کاسبی، پونه حاج‌محمدی، آرینا لاجینی و اسماعیل شنگله نتوانست فیلم موفق‌ی از آب درآید و باعث شد کارگردان، قید کارگردانی را با همین یک فیلم بزند.

سونامی هم به کارگردانی میلاد، پسر رسول صدرعاملی و در ژانر سینمای ورزشی ساخته شد. بهرام رادان، مهرداد صدیقیان، علیرضا شجاع‌نوری، رعنا آزادی‌ور، فرشته حسینی و ستاره پسیانی در این فیلم بازی کردند اما این فیلم هم نه در نظر منتقدان و نه در گیشه توفیق نداشت. تا این‌که صدرعاملی در سال ۱۳۹۸، تهیه‌کنندگی فیلم شنای پروانه را به عهده گرفت. او تصمیم گرفته بود با کارگردانی جوان به نام محمد کارت همکاری کند. این کارگردان جوان شیرازی که در آن زمان با ساخت فیلم‌های مستند آوانتاژ، بختک، خون‌مردگی، معلق، خون‌ره، مسروقه، مخدر کلاف سردرگم و فیلم کوتاه داستانی بچه‌خور استعداد‌های خود را در کارگردانی نشان داده بود، برای ساخت اولین فیلم بلندش توانست صدرعاملی را برای همکاری ترغیب کند.

فیلم در جشنواره سی‌وهشتم به نمایش درآمد و توانست سیمرغ‌های بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (امیر آقایی)، بهترین نقش مکمل زن (طناز طباطبایی)، بهترین تدوین، بهترین صداگذاری و میکس، بهترین صدابرداری و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را از آن خود کند. البته صدرعاملی و تیم تولید شنای پروانه با بداقبالی در گیشه روبه‌رو شدند و اکران فیلم مصادف شد با بحران همه‌گیری کرونا و به‌همین دلیل فیلم نتوانست به فروشی که حش بود دست یابد اما این فیلم به‌عنوان

یکی از بهترین آثار کارنامه تهیه‌کنندگی صدرعاملی ثبت شد. صدرعاملی حالا این بار هم با یک کارگردان جوان فیلم‌اولی که قبلاً در سینمای کوتاه موفق بوده همکاری کرده است. باید ببینیم این بار هم او می‌تواند در ساخت یکی از بهترین فیلم‌اول‌های سینمای ایران، نقش اصلی را ایفا کند و کارگردانی جوان و خوب را به سینمای ایران معرفی کند؟ مرور کارنامه صدرعاملی نشان می‌دهد او در معرفی بازیگران و کارگردان‌های جوان به سینمای ایران ید طولایی دارد، به‌همین دلیل باید با دقت جنگل پرنقال را دید.

یکی از فیلم‌هایی که امروز در سینمای رسانه

برای اهالی مطبوعات نمایش داده می‌شود، «جنگل پرنقال» به کارگردانی آرمان خونساریان است. خونساریان که نخستین فیلم بلندش را بعد از کارگردانی آثار موفقی در فیلم کوتاه، همچون «سایه فیل»، «سبز کله غازی» و «موناکو» به جشنواره آورده است، در رشته تئاتر تحصیل کرده و در این فیلم با بازیگرانی چون سارا بهرامی، میرسعید مولویان و رضا بهبودی همکاری کرده است. نکته مهم درباره تیم تولید این فیلم، حضور رسول صدرعاملی به‌عنوان تهیه‌کننده است. او که سابقه روشنی در شناخت استعداد جوانان و معرفی آنها به سینمای ایران دارد این بار، همکاری با کارگردانی جوان و فیلم‌اولی را پذیرفته است. به انگیزه این فیلم، مروری کرده‌ایم بر کارنامه هنری تهیه‌کننده‌اش که خود کارگردانی نامدار و صاحب‌اثر در سینمای ایران است.

شاید آن روزی که رسول، جوان روحانی‌زاده اصفهانی، ایران را به قصد تحصیل در رشته جامعه‌شناسی ترک می‌کرد و عازم فرانسه بود، نمی‌دانست چه سرنوشتی در انتظار اوست. اقامت او در فرانسه، مصادف شد با حضور امام‌(ره) در نوفل‌لوشاتو و طبیعی بود که جوانان ایرانی طرفدار انقلاب مقیم فرانسه، به این دهکده کوچک در حومه پاریس سرازیر شوند و یکی از همین جوانان هم رسول داستان ما بود که در آنجا خو و خصلت خبرنگاری‌اش را نشان داد. او با رسانه‌های فرانسوی ارتباط گرفت و شروع به تهیه گزارش و مطلب برای رسانه‌های خارجی کرد. پرواز انقلاب در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ که راهی ایران شد، رسول صدرعاملی تنها خبرنگاری بود که توانست گفت‌وگویی کوتاه و تاریخی با امام خمینی(ره) در همان پرواز بگیرد.

وقتی وارد ایران شد و انقلاب هم پیروز شد، تصمیم گرفت به ادامه درشش بپردازد و به فرانسه برگشت اما شهادت برادرش باعث شد به ایران برگردد و به دنبال شغل مورد علاقه‌اش یعنی خبرنگاری برود و به روزنامه اطلاعات رفت. در سرویس‌های مختلف مانند سرویس حوادث و سیاسی کار کرد و در همین دوره‌ها بود که به مستندسازی روی آورد.

**۱۰۳** **از قلم به دوربین**

کار در مطبوعات برای صدرعاملی تجربه مهمی بود. او توانست با اجتماع بیشتر آشنا شود، اهمیت قصه را بهتر درک کند و شیرینی ارتباط‌گرفتن و حرف‌زدن با مخاطب را درک کند. این بود که نیاز زمانه برای به‌تصویرکشیده‌شدن جنگ و مقاومت مردم، او را به مستندسازی درباره جنگ کشاند و کمک‌م دوربین و سینما را شناخت.

صدرعاملی، سینما را با تهیه‌کنندگی و کارگردانی همزمان شروع کرد. با کمک همکاری در مطبوعات یعنی فریدون جیرانی فیلمنامه‌ای به نام «هانی» درباره زندگی یک جانباز نوشت و آن را در سال ۱۳۶۱ ساخت و داوود رشیدی در این فیلم برایش بازی کرد. فیلمنامه بعدی او را هم جیرانی نوشت اما این فیلم که در سال ۱۳۶۳ ساخته شد، با بازی پروانه معصومی، داوود رشیدی، جمشید مشایخی و بیژن امکانیان نشان داد او چه قابلیت‌هایی در کارگردانی دارد. فیلم «گل‌های داوودی» گل کرد و به‌خصوص بازی بیژن امکانیان در نقش یک پسر جوان

نابینا که منتظر آزادی پدر زندانی خود است، مورد توجه قرار گرفت. فیلم بعدی صدرعاملی یعنی «پاییزان» به تهیه‌کنندگی مشترک خود او و مسعود کیمیایی ساخته شد. کیمیایی که کارگردانی باسابقه و مشهور بود، حاضر شده بود با کارگردانی جوان همکاری کند، درست مثل کاری که خود صدرعاملی بعد از این‌که به شهرت رسید، انجام داد. بعد از ساختن «سمفونی تهران» در سال ۱۳۷۲، او سه چهار سالی فیلمی نساخت تا با ایده‌های اصلی خود بگردد.

